



رئیس قوه قضائیه:

حساب های قوه قضائیه به ۵ حساب تقلیل می یابد

گروه سیاست؛ رئیس قوه قضائیه گفت: امروز متهمان حقوق بشر مدعیان آن هستند، به طوری که کشورهایی در عرصه داخلی و بین المللی از متهمان حقوق بشر به معنای واقعی کلمه به شمار می روند. حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی...

صفحه ۳

سه شنبه ۴ تیر ۱۳۹۸ ۲۱ شوال ۱۴۴۰ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۹

تیتراها

تناقض گویی کاخ سفید درباره ایران هوک: آماده برقراری روابط دیپلماتیک هستیم

صفحه ۱۵

حقوق ۲۰ تا ۵۰میلیونی متصدیان بازنشستگان

صفحه ۴

گزارشی از محروم ترین روستای نهاوند

این دره سیاه است

صفحه ۱۲

جانشین فرمانده ناجا رونمایی از طرح جدید برخورد با بدحجابی

صفحه ۱۳

علی دایی ودستور از «بالا»

صفحه ۱۴

حرف اول

در گرماگرم خشم‌های روزمره حسین نامری . روان شناس پیشگیری



تصور کنید از تاریخ ۱/۱/۱۸۱۸ آمارهای بشری بی‌کم‌وکاست ثبت شده بود. یکی از آمارهایی که قطعاً هوش از سر همه می برد، آمار مربوط به قتل‌های ناشی از خشم‌های موقعیتی بود؛ اینکه در طول چند هزار سال تاریخ و تمدن، میلیون‌ها نفر! نه در میدان‌های جنگ بلکه در موقعیت‌های خشم‌برانگیز جان باخته‌اند. نکته تناقض آمیز این است که باوجودآنکه به لحاظ تکاملی، قرار بوده است خشم به بقای بشر کمک کند ولی در ادامه، باعث ازبین رفتن جان بسیاری از انسان‌ها شده است. براساس این باید گفت مدیریت هیجان‌های منفی به شکل عام و مدیریت خشم به شکل خاص، بخش مهمی از کیفیت سلامت روان افراد و جامعه محسوب می شود. با توجه به مبانی عصب‌شناختی خشم در دستگاه عصبی انسان، مدیریت خشم، دشوارترین قابلیت روان‌شناختی است که تسلط بر آن نه تنها نیازمند آموزش‌های باکیفیت است بلکه ساختار اجتماعی در ایجاد زمینه‌های یادگیری اجتماعی نیز به همان میزان در آن نقش دارند. با توجه به اینکه جایگاه اصلی آموزش‌های روان‌شناختی در دوره آموزش عمومی است، دولت‌ها موظف هستند برای کاستن از بار هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از خشم‌های مدیریت نشده، از اولین سطح آموزش که مدارس پیش دبستانی است، آموزش‌هایی را ارائه کنند که تصمیم‌گیری‌های صحیح در موقعیت‌های خشم‌برانگیز، جز، تفکر خودکار افراد شود. به این ترتیب آموزش‌های گام به گام روان‌شناختی موجب می شود در ۱۲ سال دوره آموزش عمومی، افراد به تدریج با نحوه رفتار صحیح در موقعیت‌های خشم‌برانگیز آشنایی یافته و سال به سال، توان آنان در خوشبختن داری از بروز ریزی‌های ناشی از خشم تقویت شود؛ به نحوی که فرد با فارغ التحصیل شدن از دبیرستان، از تمامی مدارهای عصبی لازم برای عملکرد صحیح در مواجهه با طیف وسیعی از موقعیت‌های خشم‌برانگیز برخوردار شود. این تصور که ضعف آموزش‌های پیوسته در این حوزه را می توان با برنامه‌های تلویزیونی-رادیویی، سخنرانی، دیوانه‌نویسی، پادکست، توزیع بروشور و... جبران کرد، دال بر نگاه سطحی به مقوله کسب قابلیت‌های روان‌شناختی در دوران طلایی آموزش عمومی است. شاید کمی اغراق آمیز به نظر برسد ولی سطح مهارتی لازم برای مواجهه مؤثر در موقعیت‌های خشم‌برانگیز، بالا و پیچیده است.

ادامه در صفحه ۲



خطر دست اندازی به انتخابات جامعه حسابداران بررسی شد

نفوذ دولتی‌ها در نهاد کشف فساد

صفحه ۵

گفت‌وگو با عباس عبدی درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات سیاسی

کار سیاست‌مدار این نیست که دنباله‌رو مردم باشد

اصلاح طلبان پیشاپیش بازی را باخته‌اند

حکومت باید تغییر نگاهی به فضای سیاسی بدهد



عکس: مهدی حسینی

که اکثر این دولت‌ها اشتباهات و رفتارهای مشابهی دارند درحالی‌که راهبردهای کاملاً متفاوتی را اعلان می‌کردند. دلایلش هم این است که یک رکن مهم جامعه ایران که «ساختار اقتصادی» است، کمابیش در همه اینها مشترک مانده و هیچ‌کدام نتوانسته‌اند یا نخواستند آن را تغییر دهند. تنها دولتی که تا حدودی به‌طور موقت توانست این تغییر را ایجاد کند، دولت احمدی‌نژاد بود که آن را به شکل ناقص و نامربوط انجام داد. البته این کار ناقص او به‌دلیل سطحی‌نگری و انگیزه‌های سیاسی زودگذر و انتخاباتی بود. درآمدهای نفتی را مستقیماً متصل به پرداخت مردم کرد و این به نظرم یک تحول بود. ولی به‌خاطر مشکلاتی که این کار داشت و از آن بدتر، ضعف اجرا، نتوانست آن را تبدیل به یک تغییر ساختاری اساسی کند. درباره موضوع آقای نجفی هم تصور نمی‌کنم فقط از همین یک حیث مرتبط با بحث ما باشد، اما معتقدم انتخاب ایشان به‌عنوان شهردار تهران ناشی از یک نوع کج‌فهمی یا بدفهمی در تطبیق عمل سیاسی و راهبرد سیاسی بود. اصلاح‌طلبان در گذشته همیشه معتقد بودند که باید اصلاحات را درون ساختار قدرت با نوعی هماهنگی انجام دهند، اما مجدداً در این انتخابات گفتند چون ما رای گرفته‌ایم، هرکسی را می‌خواهیم باید بیاوریم، حتی چشم باز نکردند تا نقاط ضعف و کاستی‌های آن را ارزیابی کنند و چشم‌بسته ۲۱ رای دادند و حاضر نشدند مسائلی موجود در بررسی کنند تا مبدا متهم به ضعف و ناکارکردی شوند. به نظرم مشکل اصلاح‌طلبان این است که شجاعتشان را در موقعیت نامناسبی به کار می‌برند؛ جایی که می‌توانند تقاطع کنند انجام نمی‌دهند و جایی که نباید کوتاه بیایند، کوتاه می‌آیند و برعکس. به نظرم انتخاب آقای نجفی محصول اشتباهی از گذشته بود که مجدداً در سال ۹۶ تکرار شد.

❧ به نکته درستی اشاره کردید: نقش نفت در حیات ما که تحولات و عقب‌ماندگی‌های فراوانی را در جامعه موجب شده است اما همه دولت‌ها فارغ از حد وابستگی‌شان به نفت، دغدغه اصلاحات داشته‌اند. درواقع هیچ دولتی نبوده که مدعی اصلاحات نباشد. برای مثال رکن اول اصلاحات بنیادین رضاشاه ارتشکی قدرتمند بود که نشان از قدرت دولت در هم‌جا داشت و هر اصلاح درآمدهای دولتی از طریق مالیات، رادسازی و جاده‌سازی و احداث نخستین راه‌آهن سراسری، از این دست اصلاحات بودند که ذیل استبداد نظامی انجام شد.

انتخاب نجفی به‌عنوان شهردار مصداق این تحمیل شرایط نبود؟ مسئله دیگر اینکه بخشی از تصمیمات دولت‌های ما غیرراهبردی و فرده‌محور است که گاه نتیجه مثبت و گاه نتیجه منفی داشته است. می‌توانیم به‌طور عینی و مصداقی از تصمیمات راهبردی یا تصمیمات خودانگیخته فردی درست و نادرست نمونه‌هایوریم بابحث انتزاعی نشود.

مسئله راهبرد یک وجه قضیه است. وجه دوم شناخت وضعیت موجود و اصلاح ساختارهای متناسب با آن راهبرد است. وقتی راهبرد شما رسیدن به قله اورست باشد، باید امکانات متناسب با آن را هم فراهم کنید. این راهبرد به خودی خود کفایت نمی‌کند. یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران مسئله قیمت نفت و درآمدهای نفتی است. رژیم شاه و همه پنج دولت اصلی بعد از انقلاب کمابیش متأثر از ساختار درآمدهای نفتی بوده‌اند. کسی که راهبردی انتخاب می‌کند باید به تبعات آن راهبرد هم ملزم باشد. راهبرد دموکراسی و اصلاحات تناسبی با وابستگی به درآمدهای نفتی و بالا و پایین رفتن این درآمدها ندارد، همچنین با حساب ذخیره ارزی که قبلاً درست کرده و در اختیار ساختار قدرت گذاشتند. بنابراین اگر (برای نمونه) اصلاحات می‌خواست ملتزم به شعار و راهبردش باشد، باید به این نکته توجه می‌کرد که تحقق اصلاحات، مستلزم تغییر ساختاری است که تغییر تناسبی با وابستگی به درآمدهای نفتی و بالا و پایین رفتن این درآمدها ندارد، همچنین با حساب ذخیره ارزی که قبلاً درست کرده و در این حد از درآمدهای نفتی اساساً اصلاحات نمی‌توانست موفق شود. اوج اصلاحات نفتی در سال ۷۷ است که درآمدهای نفتی در حوضی و حداقل است. درواقع به موازاتی که درآمدهای نفتی زیاد می‌شود، باید اندیشه‌ای می‌کردند که این درآمدها در چپ کسائی نرسود که با اتکا به آن با اصلاحات مقابله کنند. بنابراین صرف وجود راهبرد به‌تنهایی کافی نیست بلکه شناخت محیط و انجام اصلاحات ساختاری برای محقق شدن آن هم لازم است. همین الان رهبری دستور داده که از درآمدهای نفتی مستقل شویم. چرا این دستور را داده‌اند؟ زیرا با این وضعیت نمی‌توان با جهان خارج مقابله کرد. با این وابستگی به نفت جلوی فروش آن را می‌گیرند. ولی حکومتی که در پی این راهبرد بود باید پیش‌تر خود را از درآمدهای نفتی خلاص می‌کرد؛ نه اینکه تا خرخره به این پول وابسته‌تر شویم. خب پس معلوم است یک جای کار مشکل دارد؛ به مبارزه از ابتدا ناقص بوده یا این کار دیر انجام شده است. عین این مسئله برای اصلاحات هم وجود دارد. به همین دلیل می‌بینید

اصلاً راهبردی ندارد. به‌همین دلیل براساس ظن و گمان خودمان آن تصمیم را ناپجا می‌دانیم، درحالی‌که ممکن است بجا باشد. زمانی می‌توانیم به این پرسش پاسخ دهیم که دقیقاً بدانیم راهبرد و هدف کلی کنشگر یا مجموعه کنشگران چیست؟ اگر این موضوع را متوجه شویم، می‌توانیم تحلیل کنیم که آیا تک‌تک تصمیمات بجا یا ناپجا، بهنگام یا نابهنگام بوده است؟ مثلاً اگر کسی بخواهد در انتخابات شرکت و فضا را باز کند، یک راهبرد کلی را مشخص می‌کند و تحلیل مشخصی هم ارائه می‌دهد که تحلیلیش برای من و شما شناخته شده است، آن زمان می‌توانیم بگوییم تک‌تک تصمیمات در راستای تحقق آن اهداف است یا نه. ممکن است کسی کلان آن هدف را قبول نداشته باشد، ایرادی ندارد ولی ارزیابی ما براساس آن هدف است. وضعیتی که امروزه میان کنشگران سیاسی می‌بینید در درجه اول ناشی از این نیست که تصمیماتشان بجا یا ناپجااست، بلکه درک درستی از راهبرد و تحلیل آنها از شرایط نداریم، به‌همین دلیل رفتارشان هم غیرقابل فهم خواهد بود. نمونه‌اش آقای نجفی که شهردارشدنشان مبتنی بر یک راهبرد مشخص نبود. اگر مبتنی بر یک راهبرد مشخص بود، می‌توانستیم بگوییم کاری که انجام دادند درست است یا نه. این رفتار را به لحاظ سیاسی شاید یک جور تحلیل کنیم و به لحاظ اجرایی و کاربردی در شهرداری ممکن است کاملاً مغایر با آن ارزیابی شود. بنابراین بجا بودن یا نبودن هر تصمیم را باید در ذیل آن چارچوب کلی بفهمیم. شرایط کلی اصلاح‌طلبان، امروز دچار این مشکل است، همین‌طور بخش اعظمی از اصولگرایان که درک و تحلیل دقیق یا درستی از شرایط ندارند؛ در نتیجه راهبرد قابل دفاعی هم ندارند و تصمیماتشان روزمره، اقتضائی و غیرقابل دفاع و فهم می‌شود.

❧ راهبرد در نگاه شما جایگاه مهمی دارد. گویا آنچه به‌درستی و نادرستی تصمیمات ما معنا می‌دهد، راهبرد است. چهار دهه از انقلاب گذشته و دولت‌های متفاوتی با راهبردهای تقریباً مشخصی سر کار آمده‌اند؛ دولت‌های سازندگی، اصلاح‌طلب، مهرورزی و تدبیر و امید که هرکدام مدعی بودند که آمده‌اند تا کاری کنند، اما در همان راهبرد مورد ادعایشان هم ناکام بودند و گفته تصمیمات نادرستانشان با تصمیمات درست چندان نابرابر نیست. راهبردها، مسیر تصمیمات را مشخص می‌کند. اما نمی‌توان چندان به آنها وفادار ماند. همه دولت‌ها از این نالیده‌اند که شرایط، خودش را بر تصمیمات آنها تحمیل کرده است، به‌نظر شما

ادامه در صفحه ۲



استانبول می‌تواند شطرنج سیاسی ترکیه را تغییر دهد

اردوغان بازنده بازی بزرگ

گروه جهان؛ نتایج غیررسمی اما تأییدشده شمارش آرای انتخابات استانبول در روز یکشنبه ۲۳ ژوئن، نشان می‌دهد «اکرم امام اوغلو»، کاندیدای مخالفان دولت «رجب طیب اردوغان»، با اختلاف فاحش حدود ۹درصدی آرا بر «بن‌علی ییلدریم»...

صفحه ۷

سال شانزدهم شماره ۳۴۵۹ ۱۶ صفحه ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

۴ ماه فرصت به E3

غلامرضا نظربلند . تحلیلگر



یکشنبه گذشته معاون وزیر خارجه انگلیس در امور خاورمیانه به تهران آمد و مهم‌ترین دیدار کاری خود را با معاون سیاسی وزارت خارجه کشورمان انجام داد. به موجب آنچه اطلاع‌رسانی عمومی شده، دیپلمات میهمان در این دیدار از طرف ایرانی خواسته به برجام پایبند باشد و اضافه کرده که کشور متبوعش مصمم است کانال مالی اینستکس را هرچه سریع‌تر عملیاتی کند. میزبان ایرانی در پاسخ ضمن آنکه از تعلل و کوتاهی کشورهای اروپایی در عمل به تعهدات خود در توافق برجام گله کرده است، گفته «دلیلی برای ادامه تعهد ایران باقی نمی‌ماند و تصمیم به کاهش تعهدات ایران در برجام، تصمیمی ملی و بازگشت‌ناپذیر است و جمهوری اسلامی ایران تا تأمین خواسته‌های خود به این روند ادامه خواهد داد». صرف‌نظر از برخی اظهارات مقام ایرانی در این ملاقات ازجمله ناظر به ایجاد رابطه علت و معلولی بین مواضع انگلیس در قبال ایران و ناکامی آن کشور در قضیه خروج از اتحادیه اروپایی (برگزیت) که به نظر نگارنده غیردیپلماتیک است؛ تاآنجاکه مربوط به تعلل و کوتاهی انگلیس، فرانسه و آلمان به‌عنوان سه کشور اروپایی امضاکندنه برجام است، حق به جانب ایشان است. طرف اروپایی در قضیه برجام تاکنون خوش‌نشین پیشه کرده است. از برکات امنیتی آن بهره برده و هیچ مابازای اقتصادی‌ای را که آن هم وظیفه قراردادی (برجام) آن است، به طرف متعهد به آن قرارداد (ایران) نپرداخته است و در یک کلام، در جاده‌ای یک‌طرفه ماشین خود را به پیش رانده است. نگارنده در چند ماه گذشته همراه با مرور سیر تحولات و پایش روند پیشرفت (یا بهتر بگوییم، نبود پیشرفت) امور مربوط به کانال ویژه مالی (spv) تعهدی اروپایی‌ها، در بیش از ۱۰ یادداشت (روزنامه «شرق») به کارشناسی موضوع پرداخته و در نهایت قفسور E3 در نافرجام‌ماندن برجام را نتیجه گرفته است. در «عرض حال» امروز، از زاویه‌ای دیگر به موضوع پرداخته می‌شود و با وجود مراتب پیش‌گفته، مناسب است به دلایل زیر ایران فرصتی کوتاه ولی برای آخرین بار، به اروپا بدهد و بعد از پایان مهلت مقرر، بسته به بازخوردها اقدامات بعدی را معمول دارد.

۱. تلاش آمریکا برای اجماع‌سازی علیه ایران، اقدامات تقابلی کشورمان را طلب می‌کند. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین نمونه این اقدامات، مقابله با ائتلاف‌سازی علیه ایران از طریق اروپایی‌ها است. ناگفته نماند که بریتانیا در میان سه کشور E3 نقشی کلیدی دارد؛ به‌طوری‌که بعضی ناظران سیاسی حتی ادعا می‌کنند که اگر آمریکا همراهی آن کشور را به‌ویژه درباره مسائل خاورمیانه و منطقه خلیج فارس با خود داشته باشد، قادر است ائتلاف لازم علیه کشور هدف را تشکیل دهد و اگر از این همراهی محروم بماند، هر اتفاقی را هم که به وجود آورد، دیرپا نخواهد بود و ناکام خواهد ماند.

۲. ازآنجاکه به نظر نگارنده راهداندازی اینستکس از سوی E3 ازجمله موکول به تعیین وضعیت ایران درباره کارگروه ویژه اقدام مالی اف‌ای‌تی‌اف است و ازآنجاکه این کارگروه در آخرین روز نشست دوره‌ای خود (۲۱ ژوئن ۲۰۱۹) تعلیق اقدامات متقابل علیه ایران (ناظر به قراردادن ایران در لیست سیاه آن) را تا چهار ماه دیگر تمدید کرد، بنابراین این فرصت چهارماهه که به نظر می‌رسد آخرین باشد، می‌تواند به نوبه خود انگیزه اروپایی‌ها را برای راهداندازی اینستکس تقویت و آن را عملیاتی کند.

۳. اظهارات اخیر معاون وزیر خارجه روسیه مبنی بر اینکه اگر اینستکس راهداندازی نشود، روسیه کانال مالی و فروش نفت ایران را تأمین می‌کند، ممکن است نه به دلیل حسن نیت؛ بلکه به منظور درست‌کردن بدیلی برای اینستکس و بی‌انگیزه‌کردن ما در پیگیری مطالبات برجامی خود از اروپایی‌ها بوده باشد که این می‌تواند پایان تعاملات و همکاری‌های بالقوه تهران و دیگر تمدید کرد، را رقم بزند. ۴. از زمان خروج آمریکا از برجام به ۱۴ ماه از آن گذشته است، حوصله زیادی به خرج داده و در راستای مانیایی برجام در انتظار اقدام عملی قاره سبز نشسته است.

ادامه در صفحه ۱۳

همکار گرامی جناب آقای مجید احمدی

مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان مبر و اجر آرزومندیم.

چاپ گلریز

اقدامات بی‌سابقه پتروشیمی شازند

در تولید و فروش محصولات

مسئولیت اجتماعی و اشتغال‌زایی

گسترده

رجوع به صفحه ۴

تحويل روزنامه درب منزل

یا محل کار شما بدون هزینه ارسال

۰۹۵۹۳۰۸۸۲
۰۹۶۴۸۸۱۹۸